



درست ۱۲۰ سال پیش «ووکا» - Wovoka - یکی از جادوگران بزرگ دشت‌های مرکزی آمریکا، به هنگام خورشید گرفتگی، در جلسه‌ای عمیق فرو رفت. این سرخپوست پس از آن که از جلسه شبه عرفانی خود، بیرون آمد، برای پیروان و مریدان خود دستوری صادر کرد. دستور چنین بود: «خدای آسمان‌ها با من این چنین سخن گفت، که به بومیان و سرخپوستان آمریکا بگوی تا دوره‌هایی کوتاه (حداکثر پنج شبانه روز) را بدون وقفه به رقص و پای‌کوبی بپردازند، آن‌گاه مردگان و ارواح به چهره و صورت جوانان به دنیا باز گشته و همه سفیدپوستان را از امریکای شمالی محو و نابود می‌کنند»^۱

پیش از یک قرن بومیان سرخ فام آمریکا، همواره برای بیرون راندن سفیدپوستان انگلوساکسون، در رقص و پای‌کوبی به سر می‌برند و نه تنها برای بازگرداندن ارواح به چهره جوانان، بلکه زنده کردن گاو میش‌های پیشینیان، مراسم پر رمز و راز پیوتیست^۲ را در تی‌پی‌های^۳ قبایل خود به جای می‌آورند، تا شاید در یک زدن‌ها و دم‌های عمیق چیق مقدس^۴ پرنده رعد، دعا و نیایش مردم را پیش خدا برد. این مراسم و آداب پر رمز و راز، تاکنون هیچ سفیدپوست انگلوساکسونی را از سرزمین و قاره آمریکا بیرون نرانده است. جالب‌تر آن‌که هیچ دولتی از دولت‌های ایالات متحده سیاست و تدبیری علیه رقص و آواز به ظاهر دشمن شکن و شبه براندازانه سرخپوستان اتخاذ نکرده است. گویا هیچ خطری از رقص و آواز و دود سرخپوستان، متوجه ساکنان کاخ سفید و پنتاگون نیست و شاید برای آرام‌تر ساختن قوای خشمگین ساکنان اردوگاه‌های تبعیدی سرخپوستی، این آداب شبه عرفانی به کار هم می‌آید.

نظیر این نوع تفکر و اندیشه که مبارزه و خیزش انسان‌ها را کنترل و یا نابود می‌سازد و هیچ حرکت و مقابله‌ای را به بشریت توصیه نمی‌کند، در ادیان و فرقه‌های الحادی شرقی نیز دیده می‌شوند. هندوها اگرچه به مریدان خود ثروتمند شدن در حد عالی و ازادی کامل و لذت‌جویی را توصیه می‌کنند، اما در صورت تعرض و تجاوز هر طبقه‌ای از طبقات (کاست) اجتماعی به دیگر انسان‌ها،



پروژه‌های شبه عرفانی پیاده‌نظام کودتای شوند

کبریت‌های بی‌خطر انقلاب عرفانی

اشاره

انقلاب‌های رنگین، کودتاهای آرام و بدون خونریزی و بی‌سر و صدایی هستند. این کشتار نرم، به بسترها و زمینه‌هایی برای شعله‌ور ساختن انگیزه‌های حامیان و سوزاندن فرصت‌ها و هدر دادن قوای مخالفانش، نیاز جدی دارد. گونه‌ها و نمونه‌های این کودتاهای امی توان در عهدین و الواح تاریخ جست. گوساله سامری و نفیر شگفت‌انگیزش، آن سان یاران موسای کلیم را آشفته خاطر و پریشان، از گرد حقیقت دور ساخت که اگر فرمان شدیدالحن آسمانی نازل نمی‌گشت، زمانی نمی‌گذشت که از دین موسوی، نه فرمانی می‌ماند و نه الواحی و نه توراتی. به آتش کشیدن و خاکستر پراکندن گوساله زرین و خوش‌آوای سامری، خواب فریبای زود هنگام قبطیان را از سر پرائید تا که هم «تاک بماند و هم نام تاک نشان».

قصه نیرنگ و فریبایی سامری‌ها همواره نسخه قابل تکرار و تجویز کینه‌توزان و دشمنان راه‌نورانی حق و حقیقت است. قصه‌ای تکرار نشده در نقطه نقطه عالم که شیطان و اسلافش برای فروپاشی و از هم گسستن جبهه و صفوف مردان حق و حقیقت به کار بسته و می‌بندند. قصه گوی این قصه‌های رنگین، نه شهرزاد، که شهرت‌طلبان مکاره‌ای هستند، در پس هزار توی اندیشه‌های شیطانی و ماورایی. قصه گویانی که هزار و یک شب حادثه را به طرفه‌العینی در هیاهو و غوغای رسانه‌ای در کودتاهای رنگی، نه به رنگ خون بلکه به ارغوان و زعفران، تومار هستی ملتی رامی بیچند. آن چه در پیش روست گذری است کوتاه بر سوا استفاده اندیشه‌های مکاتب شبه عرفانی، در توجیه ظلم و ستم و حمایت و بهره‌گیری زورمداران تاریخ از آنان در براندازی حکومت‌ها، کودتاهای توجیه ظلم و ستم و منحرف نمودن قوا و روحیه مبارزاتی ملل از روبرو بی با ظلم.



حسن طاهری

Aboo_shahid@yahoo.com



و دور شدن از جهاد و مبارزه با ظلم عنوان نموده بود. ۸۰ اما این حرکت در دنیای اسلام از چه زمانی آغاز شده بود؟

سال چهارم هجری هنگامی که علی بن ابی طالب (ع) امام نخست شیعیان، از جنگ جمل در حوالی بصره باز می‌گشت، با شخصیتی معروف مواجه شد که همواره خود را حق و موجه می‌نامید. امام (ع) از او پرسید: چرا در جنگ حاضر نگشته؟ او در پاسخ گفت: ندایی شنیدم که می‌گفت کشته و کشته در آتش هستند. امام (ع) فرمودند: آن نمادی برادرت شیطان بود و راست گفت. کشته و کشته لشکر باطل در آتش است. بیست سال پس از آن حادثه، همان شخص، فرزند امام (ع) را نیز در قیام عاشورا تنها گذاشت و بی‌هیچ آسیب و زحمتی از کنار معرکه کربلا گذشت. او کسی نبود جز «حسن بصری». کسی که از سوی علی (ع) لقب «سامری امت» را نصیب خود ساخت. ۹. شخصیت‌هایی همچون حسن بصری با تفکری شبیه به تفکرات هندویی، بودایی، جینی، سرخپوستی و دیگر تفکرات بی‌خطر برای حکومت‌های جائر و حاکمیت‌های زور و ستم، هیچ مزاحمت و آسیبی در بر نخواهند داشت. مقاطعی از تاریخ نشانگر حمایت جدی حکومت‌ها از این دست شخصیت‌ها و ترویج نام و راه آن‌هاست. فرقه‌سازی و نحله‌آفرینی امویان و مروانیان و عباسیان حدیث مفصلی است در برابر خاموش کردن هر نوع حرکت و مقابله با کج روی‌ها و انحرافات خلفا و دستگاه حاکم. حمایت از فرقه جبریه و برخی غالیان و دیگر فرقه‌های انحرافی که جز ورد و ذکر و سماع و نوشیدن خمر و مخدر و شاهد بازی، کاری به کار خلیفگان دربار اموی و

پزشکان معجزه‌گر و جادوگر اگرچه بازاری گرم و پر رونق در سرگرم نمودن قبیله‌ها و مداوای بیماران داشتند، اما با همتی، نه چندان تحسین‌برانگیز، در برابر حادثه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه واکنشی از خود بروز می‌دادند. جادوگر قبیله «کویو» در آفریقای مرکزی پیش‌بینی نموده بود که انگلیسی‌ها به سرزمین سیاهان حمله و همه زمین‌های آنان را اشغال خواهند نمود. ۷. این پیش‌گویی به مقاومت‌هایی بسیار محدود انجامیده بود. در شمال قاره سیاه اما داستان به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. فاتحان اروپا اگرچه سرمست از سیطره بر کشورها و منابع سیاهان شمالی قاره سیاه بودند اما دست و پنجه سربازان اروپایی در شعله نهضت‌های مقاومت کشورهای مسلمان شاخ آفریقا می‌سوخت. اخوان المسلمین در مصر، جبهه آزادی بخش در الجزایر، مهدی سودانی در سودان، عمر مختار در لیبی، عثمان دن فودیو در نیجریه شمالی، محمد الکنامی در برونو، احمد بن محمد در نیجریه و حاج عمر الفوطی در سنگامبیا تنها گوشه‌ای از نهضت‌های مردمی اسلامی ملت سیاه آفریقا بودند که با تعالیم اسلام و مبتنی بر ظلم ستیزی و امر به معروف و نهی از منکر شکل و انجام گرفت. حرکت‌هایی که هرگز با تفکرات مبتنی بر پیشگویی و سحر و تسلیم و ریاضت و رهبانیت محقق نمی‌شد. این نکته به خوبی نشان می‌داد که حرکت‌زایی و انقلاب‌آفرینی ملت‌های شاخ آفریقا ریشه در رمز و رازی جز تفکرات شبه عرفانی شرقی و غربی داشته است. رمز و رازی که ملل مسلمان را از تیمور شرقی تا مراکش یک دست و هماهنگ، در برابر هجوم استعماری دو قرن پیش تاکنون غربیان، همواره خشمگین و مبارز در خط مبارزه و جهاد با ظلم قرار داده است.

این رمز موفقیت و پیروزی نکته‌ای نبود که از برابر دیدگان غربیان دور مانده باشد. مستر همفر ۲۸۰ سال پیش در آغاز حرکت استعمار دنیا این رمز را دریافته بود. او در توصیه‌ای اکید و سفارشی جدی به برنامه‌ریزان سیاسی لندن، تکثیر رساله‌ها و کتاب‌های ویژه و هم‌چنین توسعه و ترویج دیرها و کنیسه‌ها و خانقاه‌ها برای گوشه‌گیر و رویگردان نمودن مسلمانان از دنیا و مظاهر اجتماعی، را یکی از بهترین راه‌های تسلیم و انقیاد و بردگی دنیای اسلام در برابر استعمار

فرد متجاوز و متعرض را میرا و پاک از هر زشتی دانسته و علاوه بر آن تکلیف را از دوش آدم‌ها ساقط می‌دانند. هندویسم هیچ‌گاه خود را درگیر با عدالت اجتماعی ننموده است و تنها یک راه خلاص برای مردمان خود از بند ظلم و ستم زمانه، تجویز می‌کند؛ ریاضت و رهبانیت. ۵. این در حالی است که چون یکی از هندوها بر آن شود تا در برابر ظلم و ستم حرکت و قیامی نماید، کاری خلاف تشریح و تدین و تقوا انجام داده است.

تفکر جینی و بودیسم نیز همچون هندویسم، دیدگاهی افراطی نسبت به هرگونه امر دنیایی را برگزیدند و تمام نیروی مذهبی خود را در فرار از دنیا و کاشتن تخم بی‌علاقگی و کناره‌گیری کامل و خوار شمردن همه لذت‌های آن صرف نمودند. پیروان این دو مکتب نیز با نفی دنیا بر آن هستند تا ذره‌ای از آلودگی حکومت و قدرت بر ردای سفید رهبانیت بودایی و جینی نشینند. «بهادر اباهو» راهب بزرگ جینی، هنگامی که خشکسالی و قحطی بزرگ چین را پیش‌بینی نمود، از راهبان هم مسلکش خواسته بود تا عربان و لخت و در میان مردم راه رفته و پیروان را به مناطق جنوبی و حاصلخیز هند هدایت نمایند تا شاید مردم از خطر مرگ رهایی یابند. ۶. این دستور منتهالیه شدت عمل یک راهب بودایی، برای نجات بشر مبتلا به حادثه و خطر است.

این نوع تفکر اما در آفریقا و قاره سیاه به گونه‌ای دیگر در جریان بود. داروگران یا



عباسی نداشتند، خود نوشتاری جداگانه می طلبید.

این روند طی سه قرن پیش تاکنون شکل نوینی به خود گرفته است. تناسخ و تشبیه وجوه مشترکی است میان غالیان، فرقه‌های شبه عرفانی، بودیسم، جینیسم و دیگر فرقه‌های انحرافی منشعب از ادیان توحیدی و مکاتب الحادی. استعمار دوران جدید همچون قرون پیش، مهره‌سازی و کنترل توده‌ها را در سرزمین‌های تحت سلطه پی می‌گیرد. اگر دو قرن پیش خلیل‌الله محلاتی ملقب به «آقاخان» در قندهار مورد حمایت مستقیم و دریافت روزانه صد روپیه از کنسول انگلیس قرار می‌گیرد و پس از چندی لقب ارزشمند «سر» را از ملکه بریتانیای کبیر دریافت نموده و ریاست کنگره مسلمانان هند و سپس ریاست عمومی جامعه ملل به او واگذار می‌گردد. ۱۰ از آن روست که فرقه اسماعیلیه همچون ۸ قرن پیش دیگر قدرتمندترین گروه مبارز و هراسناک‌ترین فرقه مقابل خلفای زورگو و شاهان مستبد دنیا به حساب نمی‌آیند. اسماعیلیان کنونی تنها جمعیتی اندکند گرد هم آمده، برای ذکر و ورد و دعا، و نه برای حرکت و اصلاح و جهاد. کارنامه انقلاب اسلامی، فرقه‌ها و نحله‌های سیاسی عجیب و غریب و خلق الساعه همچون اسماعیلیه را در خود بسیار دارد. انجمن شیخ محمود حلبی معروف به حجتیه یکی از شاخص‌ترین این نحله‌ها و گروه‌هاست؛ گروهی مدعی سرسپردگی محض از ولایت حضرت حجت (عج) و مشتاق تهیه مقدمات ظهور ایشان، البته در سایه دعا برای بقا رژیم طاغوت و همکاری با ساواک و اجرای اوامر آریا مهر پهلوی! این نحله توجیه‌گر رژیم طاغوتی، آن گونه که خود «سامری امت» پیامبر (ص) در برابر وصی او، گوشه‌گیری و عزلت را نوعی مبارزه منفی خود با مظاهر باطل می‌دانست، با تمسخر و استهزاء حرکت انقلاب اسلامی، آن را توطئه توده‌ای‌ها برمی‌شمرد ۱۱ و تا آخرین لحظه نیز سرسازش و همراهی با حرکت اسلامی و انقلابی امام (ره) نداشت. از همین رو بود که بازجویان ساواک راه خلاصی و رهایی مبارزین و مجاهدین انقلاب را از زندان و شکنجه، همکاری با انجمن حجتیه عنوان می‌نمودند. ۱۲ انجمن حجتیه با اکتفا به برگزاری مجالس دعا و مدح شاه به دنبال تشکیل حکومت جهانی

موجود و تهیه مقدمات ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عج) بود و هرگونه حرکت علیه رژیم طاغوت را باطل و محکوم و با جسارت تمام آن را به سان «وزوز پشه‌ای در برابر باد» می‌دانست و تنها از پیروان آن حضرت می‌خواست تا برای فرج آقا دعا کنند، فقط دعا و نه حرکت و قیام و جهاد. همین تفکر توجیه‌گر ظلم و تسلیم در برابر زور و بی‌مسئولیتی انجمن حجتیه بود که امام (ره) آن را بزرگ‌ترین خطر



انقلاب و اسلام برمی‌شمرد و تا انحلال و نابودی همه «بیت‌ها» ۱۳ و فعالیت‌های این انجمن، از مقابله با این نحله انحرافی دست برنداشتند. ۱۴ دعا و چراغانی انجمن حجتیه در تأیید رژیم طاغوت و به نام ظهور حضرت حجت (عج) بیشتر از آنکه ریشه در تعالیم اسلام داشته باشد، ریشه در خودباختگی و تسلیم شدن در برابر واقعیت‌های اجتماعی و بر هم زدن سیر تاریخ داشت، درست همانگونه که بودیست‌ها و سرخپوست‌ها به آن عقیده‌ای راسخ دارند. ذهن‌ها اگر چه فراموش‌کارند اما صفحات روزنامه‌های دوران دفاع مقدس، هنوز خبری کوتاه را در خود ثبت شده دارند. مرتاضی صلح طلب با انجام حرکات عجیب و غریب، ساکت و آرام در گوشه‌ای از تهران نشسته و رو به آسمان هر چند لحظه بر طبل می‌کوبید و می‌خواست هیولای جنگ و کشتار را از ایران دور و فرشته صلح را بر این سرزمین مسلط سازد.

یوگا و رقص و آواز، ورد و ذکر و نیاز، شاهد و شراب و شهوت، سحر و جادو و قدرت، زهد و رهبانیت و ریاضت، دعا و خلسه و نجوا، نفرین و طلسم و دود، آداب و رسوم و عقاید به ظاهر بی‌خطری هستند که دنیای جدید تبلیغات گسترده‌ای

را برای آن انجام می‌دهد. در نگاه نخست آن‌چه که دریافت می‌شود بی‌خطری و عزلت و گوشه‌نشینی این دست از فرقه‌ها و نحله‌هاست. اما به راستی رویکرد جدی رسانه‌ای دنیا به ویژه هالیوود برای ترویج و تبیین اندیشه نحله‌های شرقی و غربی به ظاهر بی‌خطر، ریشه در کجا دارد؟ تجلیل و تقدیر و اهدای جوایز و مدال‌های جهانی به صاحبان و مبلغان این اندیشه‌ها نشان از چه هدف پنهانی دارد؟ اتحادیه اروپا و ملل توسعه یافته‌ای که همه همت و تلاش سیاسی‌شان صرف حذف دین و مکاتب توحیدی از عرصه اجتماع می‌باشد، چه امتیاز و ویژگی برجسته‌ای در این نحله‌ها یافته‌اند؟ چرا هیچ یک از دولت‌های آمریکا مزاحم رقص و آواز سرخپوست‌ها نمی‌شوند، حتی اگر این رقص و آواز برای نابودی سفید پوستان و براندازی دولت آمریکا انجام شود؟ شاید جرج واشنگتن سرمست از سیطره انگلوساکسون‌ها در گوش رهبر سرخپوست‌ها چنین می‌گوید: «ووکا! - Wovoka - همچنان برقص و آواز بخوان که ما بیداریم!»

پی‌نوشت‌ها:

۱. جهان مذهبی، جمعی از نویسندگان، ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۱۸، نشر فرهنگ اسلامی.
۲. بیوت ماده‌ای است که از گل‌های کوچک بالای کاکتوس سبز نگراسی و مکزیکی می‌گیرند. این ماده مخدر خلسه‌شدیدی در انسان ایجاد می‌کند. سرخپوستان آمریکا در مراسم عبادی خود بیوت مصرف می‌کنند.
۳. تپ‌تپ مکانی در کنار محراب خاکی هلال شکل، به همراه آتش است.
۴. چپق مقدس با خاک رس قرمز به نام کالوست ساخته می‌شود. سرخپوستان بر این باورند که کالوست مستقیماً از خورشید گرفته می‌شود. اهدا یا کشیدن این چپق توسط دو نفر، پیوند آن دو را مقدس می‌کند.
۵. همان، ص ۶۶.
۶. همان، ص ۴۰.
۷. همان، ص ۲۲.
۸. خاطرات مستر همفر، ترجمه: سیدمحمد شیرازی، ص ۴۰، نشر امیرکبیر.
۹. تمه منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ص ۱۵۳، نشر مؤمنین.
۱۰. فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمدجواد مشکور، ص ۲، به نشر.
۱۱. جریان‌ها و سلازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، رسول جعفریان، ص ۴۲۵، چاپ هفتم، نشر مورخ.
۱۲. همان، ص ۴۲۸.
۱۳. بیت، به مرکز فعالیت و هسته تبلیغاتی انجمن حجتیه گفته می‌شد که اعضا در آن به فعالیت می‌پرداختند.
۱۴. همان، ص ۴۳۱.